

نگرشی در تحولات اقتصاد روستایی^۱ مورد مطالعه: روستاهای ایالت کبک کانادا

دکتر سید حسن مطیعی لنگرودی

استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده:

روستاهای ایالت کبک^۲ کانادا، هماهنگ با تغییرات جامعه جهانی شدیداً در حال تغییر و تحول، بویژه در زمینه اقتصاد روستایی می باشند. نتیجه مطالعات نگارنده در نواحی روستایی این ایالت، نشان داده است که سه عامل تعداد جمعیت، فعالیت ها و در آمد اقتصادی، برای تمایز بین روستایی بسیار اهمیت دارد. به علاوه، در سال های اخیر تغییراتی عمیق در تمامی ساخت های زیستی روستایی این ایالت مطرح شده، که سبب تفاوت بسیار شدید روستاهای آن با سایر سرزمین های روستایی جهان گردیده است. این تغییرات شامل: الگوی مصرف، سازماندهی فضا، مسکن، آموزش، بهداشت و سلامتی، گذران اوقات فراغت و ارزش های موجود در جامعه روستایی می باشد. موج عظیم نوگرایی که در ایالت کبک ظاهر شده است، منجر به ایجاد تغییرات ریشه ای در بسیاری از مکان های روستایی گردیده است. عمده این تغییرات متأثر از ایجاد زمینه های جدید در فعالیت های اقتصادی موجود در نواحی روستایی و مسلماً سبب افزایش توان تولید و بهره‌وری های اقتصادی مضاعف در این نواحی است.

واژگان کلیدی: جامعه روستایی، اقتصاد روستایی، بهره‌وری های اقتصادی، ایالت کبک کانادا

۱- این مقاله نتیجه گزارش سفر مطالعاتی نگارنده به ایالت کبک کانادا در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ می باشد.

مقدمه:

روستاهای موجود در ایالت کبک کانادا- مرکز فرهنگ فرانسوی‌های کانادا- بر مبنای شاخص‌های شهری تعریف شده و میزان جمعیت، مهمترین عامل تفاوت شهر از روستاست. از ۷/۱ میلیون تن جمعیت این ایالت، یک و نیم میلیون تن «۲۱/۶ درصد» ساکن در نواحی روستایی اند. در کشور کانادا، مکان‌های دارای دو هزار و پانصد تن جمعیت و کمتر، روستا قلمداد می‌شوند. تیپولوژی روستاها بر مبنای پارامترهای: دموگرافی، بازار کار روستایی، درآمد خانوادگی، توسعه انسانی و زیرساخت‌های توسعه‌ای انجام می‌شود. روستاهای کبک هماهنگ با جامعه جهانی به شدت در حال تغییر است. مهاجرت‌های روستایی- شهری، به ویژه در گروه سنی جوانان، همانند ایران در ایالت کبک نیز دیده می‌شود. ولی تعدادی از این مهاجران در سنین سالخوردگی به روستاهای کبک مراجعه می‌نمایند که خود موجب سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه روستاها می‌شود. در نواحی روستایی کبک، گرایش فعالیت‌های اقتصادی به سوی فعالیت‌های خدماتی است. زیرا ۵۴/۵ درصد شاغلان روستایی در بخش خدمات، ۲۵ درصد بخش صنعت، ۱۲/۵ درصد در بخش کشاورزی و هشت درصد در مشاغل طبقه بندی نشده شاغل می‌باشند، حالتی که نشان دهنده پویاسازی اقتصاد روستایی از طریق فعالیت‌های غیر کشاورزی است. با ایجاد اشتغال کافی از طریق سه بخش اقتصاد در نواحی روستایی کبک، درآمد متوسط نواحی روستایی برای هر خانوار ۳۹۹۲۵ دلار در سال است. هر چند که تفاوت فضایی از نظر میزان درآمد سالانه در نواحی روستایی این ایالت دیده می‌شود، ولی در مجموع چنین درآمدی سطح زندگی بسیار مناسبی را برای خانوارهای روستایی ایالت کبک ایجاد می‌نماید.

۱- روستاهای کانادا

۱-۱- جمعیت روستایی کانادا

با توجه به رشد متروپلیتین‌ها، هنوز ۶ میلیون کانادایی در روستاها زندگی می‌کنند. جمعیت روستایی کانادا تحت تاثیر دو عامل دموگرافیکی؛ مهاجرت و سالخوردگی جمعیت می‌باشد. مهاجرت به دلیل ویژگی‌های فرصت‌های شغلی و اختلاف بین فضای شهری و متروپلیتین‌ها و فضای روستایی می‌باشد. سالخوردگی جمعیت به دلیل تغییر ارزش‌ها در ابعاد خانوادگی کیفیت زندگی، استخدام نیروی فعال و فرصت‌های کلی زندگی شکل می‌گیرد.

در مواردی توسعه شهری و متروپلیتین‌ها، سبب ساخت مجدد فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی گردیده است. بطوری‌که بخشی از جمعیت شهری به نواحی حاشیه‌ای و روستاهای حاشیه شهرها رجوع کرده‌اند (Bruno, 2000, 27).

در مقیاس خرد، هر چند که این نزدیکی اثر متقابل بین فضای شهری و فضای روستایی داشته‌اند، همچنین عامل تغییر در ساختار و پویایی فضای روستایی می‌شوند. عوامل محلی نیز در ایجاد تغییرات و ساخت فضای روستایی نوین مؤثر بوده است. دولت مرکزی کانادا نیز در مورد مدیریت مربوط به تامین بودجه و پرکردن شکاف‌های موجود در فضاهای روستایی خوب عمل کرده است (Bryant, ..., 2001, 132-136).

۱-۲- تیپولوژی روستاهای کانادا:

اگر مفهوم روستا را یک مفهوم جغرافیایی در نظر بگیریم، بنابراین، فضا بیان‌کننده طریقه رفتار است و در هر فضایی تعداد زیادی رفتار مربوط به خدمات، تولید، آلودگی وجود دارد. روستا را نیز می‌توان بر مبنای طریقه

رفتار موجود در آن، تعریف کرد. در بسیاری از روستاها، طریقه رفتار آن‌ها وابسته به فاصله آن‌ها تا مراکز است. بنابر این بعد فاصله در اینجا تاثیرگذار است و این فاصله می‌تواند تحت تاثیر امکانات ارتباطی، رادیو و تلویزیون تغییر کند.

آخرین مشاهدات مربوط به تیپولوژی جغرافیایی روستاهای کانادا، در سال ۱۹۹۳ توسط کمیته فدرال بین وزارتخانه‌ای در مورد نواحی روستایی و عقب مانده کانادا سازماندهی شده است. مذاکرات این کمیته، روی داد و ستد روستایی و ارتباطات روستایی بوده است. نواحی روستایی کانادا به‌طور سنتی در مقایسه با شاخص‌های شهری، تعریف شده‌اند. این سبک از مقایسه تمایل به دادن چهره شهری به روستاها بوده، و مقایسه روستاها از نظر جمعیتی، شغل‌ها، درآمدها، فرهنگ و زیر ساخت‌های اجتماعی انجام شده است.

برای تعیین هویت روستاهای کانادا و نشان دادن ویژگی‌های گوناگون و تیپولوژی روستاها با استفاده از اطلاعات در سطح تقسیمات نواحی سرشماری بوده است. این اختلاف بین شمال بومی، و تمامی سایر بخش‌های سرشماری روستایی، بدون در نظر گرفتن شهرهای بزرگ بطور اصلی وجود دارد. شاخص‌های تیپولوژی شامل گوناگونی در پارامترهای دموگرافی (تغییرات جمعیت، ساخت سنی)؛ بازار کار روستایی (نرخ بیکاری و مشاغل موجود)؛ سرمایه انسانی (سطح آموزش)؛ زیرساخت‌ها توسعه‌ای (تعداد آموزگار، کیفیت ارائه خدمات، کیفیت محل سکونت)، بوده است.

در تحلیل داده‌ها، ثابت شده است که روستاهای کانادا در هفت تیپ طبقه‌بندی می‌شوند روستاهای حاشیه هفت شهر بزرگ کانادا، آن‌هایی که متروپلیتن نامیده می‌شوند، به وسیله رشد سریع جمعیت، افزایش جوانان، مهاجرت افراد مسن به روستاها از سایر نواحی روستایی مشخص می‌شوند. در حد انتهایی این تیپولوژی، ۱۲ بخش شمالی قرار دارند که نرخ ضعیف فعالیت‌های اقتصادی و سطح ضعیف کیفیت زندگی در آن‌ها دیده می‌شود. این بخش‌ها مربوط به روستاهای شمال بزرگ می‌باشند.

بین حد بالا و حد پایین، ۲۴۷ بخش روستایی وجود دارد که کمی با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یک گوناگونی بسیار مشخص در مورد خصوصیات اجتماعی-اقتصادی بین بخش‌های مختلف روستایی وجود دارد.

نتیجه تیپولوژی روستاهای کانادا را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱-۲-۱- روستاهای وابسته به شهرهای بزرگ و یا نزدیک به شهرهای بزرگ و دارای خصوصیات متروپلیتن‌ها، که دارای سطوح آموزش بالا، حرفه‌ها و مشاغل زیاد و موقعیت اجتماعی بالاتر از متوسط ملی بوده‌اند، که در این تیپولوژی، نواحی روستایی وابسته به متروپلیتن نامیده شده‌اند.

۱-۲-۲- نواحی روستایی حاشیه شهری؛ نیز با اندکی اختلاف در حد نواحی روستایی متروپلیتن‌ها سنجیده می‌شوند.

۱-۲-۳- نواحی بهشت روستا؛ که دارای ویژگی‌های افزایش جمعیت و دلفریب برای جذب جوانان مهاجر می‌باشند. این نواحی دارای دومین رتبه از نظر تامین شغل کافی و نرخ بیکاری بسیار کم می‌باشند. نواحی بهشت روستا در جنوب انتاریو متمرکز شده است، و تعداد بسیاری از افراد شاغل در شهرها در این روستاها ساکن می‌باشند که از امکانات این روستاها برای اقامت خانواده سود می‌برند.

۱-۲-۴- روستاهای موسوم به نواحی روستایی کشاورزی، که بوسیله جمعیت کم و با تاسیسات پراکنده، سن بالای جمعیت، مشخص می‌شوند.

۱-۲-۵- نواحی روستایی در حال زوال؛ تقریباً اکثر این نواحی رو به زوال در استان آتلانتیک مستقر شده اند. خصوصیات بسیار برجسته این نواحی، نرخ ضعیف اقتصادی و نرخ بالای بیکاری برای مردان و زنان بوده است. شغل ماهیگیری در ۸۳ درصد از روستاها، مهمترین شغل بوده و از درآمد متوسط همراه با پس انداز بسیار ضعیف برخوردار می باشند این روستاها وابستگی بسیار شدید به کمک های تامین اجتماعی (بیمه بیکاری، مستمری بگیر کمک معاش خانواده و غیره)، داشته اند.

۱-۲-۶- نواحی بهره بردار از منابع؛ این نواحی دارای تعداد بسیار زیادی از جمعیت ساکن در شهرها می باشند. یکی از دلایل این وضعیت استخراج مواد معدنی و نفت است. این نواحی دارای درصد مناسب از جمعیت جوان و عکس آن در صد ضعیف از افراد مسن می باشد. این نواحی از نظر منابع طبیعی (معادن، نفت، جنگل)، ثروتمند هستند و دارای منابع انسانی جوان می باشند.

۱-۲-۷- نواحی محلی شمال بزرگ؛ که شامل ۱۲ بخش سرشماری شمالی می شوند، دارای نرخ ضعیف فعالیت های اقتصادی و سطح ضعیف کیفیت زندگی بوده، و در شمال کانادا مستقر شده اند (Bollman, 2001, 169).

۲- فضای روستایی کبک

فضای روستایی کبک، یک محیط زندگی متنوع است که هماهنگ با جامعه جهانی تغییر می یابد. حرکات شدید شهری شدن و رشد حاشیه شهری که در دهه های گذشته ظاهر شده است، در تحول محیط روستاها موثر بوده و بطور قوی در تغییر شکل آن ها نقش داشته و فضای روستایی در یک فرآیند عمیق تغییرات گرفتار شده است. در حال حاضر، قدرت ها و کارکردهای اقتصادی، پیچیدگی های مهمی را در ساختار جمعیت روستایی ایجاد می کنند. سرزمین هایی که در تغییرات وسیع بافت جمعیتی و بهبود و متنوع سازی اقتصاد و امکانات خدمات دهی خود، همانند سایر سرزمین ها عمل نکنند، در طولانی مدت ضعیف می شوند. برای فضاها شهری، تغییرات بسیار شدید است. اگر این تغییرات شامل روستاها نشود، نتایج و واکنش منفی تغییرات، مشکلات مهم اقتصادی و فرسودگی واقعی انسان و کاهش امکانات خدماتی را در محیط روستا ایجاد می نماید (Garneret, 1999, 42).

به دنبال تغییرات بی شماری که ایجاد شده اند، هویت بسیاری از فضاها روستایی کبک در پایان سال های ۱۹۹۰ تغییر می کند. همه روستاها در حال تجربه و کوشش برای نشان دادن گوناگونی ها و احیاء عوامل اصلی تغییرات هستند. ابعاد تحول در روستاها، یک عامل مهم را نشان می دهد، و آن حاشیه ای شدن اقتصاد روستایی است. سه تیپ از فضاها در نواحی روستایی کبک قابل ملاحظه هستند:

- محلات کوچک روستایی که با کوچکترین مکان های سرشماری کانادا مطابقت می کند؛
- قلمرو روستایی شهرداری های ناحیه ای (MRC)^۱ که پایگاه های اصلی مکان های مراجعه برای سرشماری هستند؛

- نواحی اداری روستایی دارای امکانات خدماتی مورد نیاز سایر روستاها.

مطالعات مقایسه ای در نواحی روستایی کبک روی سه عامل جمعیت، فعالیت های اقتصادی و درآمد اقتصادی انجام می شود و عمدتاً این سه عامل (متغیر) مورد تحلیل قرار می گیرد. اما در ارتباط با آن ها به اجزاء ترکیبی دیگری نظیر محیط زیست، مکان یابی جغرافیایی و جزئیات روستاها اهمیت داده می شود (Dugas, 2000, 13).

۲-۱- جمعیت روستایی ایالت کبک

بنابر داده‌های آماری کانادا، جمعیت روستایی کبک در سال ۱۹۹۶ برابر ۱۵۴۱۱۷۰ نفر بوده، که ۲۱/۶ درصد از کل جمعیت ایالت کبک را تشکیل می‌دهد. این رقم ۳۵۰۰ نفر کمتر از جمعیت سال ۱۹۹۱ می‌باشد. اگر چه کاهش جمعیت روستایی یک موضوع نگران کننده از چندین دهه گذشته می‌باشد، ولی جمعیت روستایی بطور کلی از سال ۱۹۷۱ تاکنون افزوده شده است، و در مدت ۲۵ سال (۱۹۹۶-۱۹۷۱) از نظر تعداد ۳۲ درصد رشد داشته است و به موازات آن یک رشد شدید شهرنشینی نیز در ایالت کبک مشاهده می‌شود. اما پدیده شهرنشینی نتوانسته است از نسبت حضور فعلی روستاییان جلوگیری کند، زیرا در آخرین ربع قرن بیستم، جمعیت روستایی رشدی برابر ۲/۶ درصد نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۷۱، درصد جمعیت روستایی کبک به آستانه پایین‌ترین رقم آن نسبت به گذشته رسیده است، زیرا جمعیت روستایی از ۷۷ درصد در سال ۱۸۴۱ به ۶۰ درصد در ۱۹۰۱، به ۴۱ درصد در ۱۹۴۱ و عاقبت به ۱۹ درصد در سال ۱۹۷۱ کاهش یافته است (این درصد در سال ۱۹۹۶ برابر ۲۱/۶ درصد بوده است).

کاهش ۲۲ درصدی نسبت جمعیت روستایی کبک بین سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۷۱، تغییرات شدید در مجموعه ساخت جمعیتی و در زندگی روستایی کبک را بیان می‌کند. در مدت این دوره، مکان روستا به شدت تحت تاثیر زندگی اجتماعی-اقتصادی ایالت کبک واقع شده و این تغییرات هزاران نفر را تحت تاثیر قرار داده است. این تغییرات فقط یک شدت جریان مهاجرتی که از روستا به سوی شهر انجام می‌شود نیست، بلکه همچنین تغییراتی است که در عمق تمامی ساخت‌های روستایی مطرح شده است، یعنی خطوط قدرتی که جهت دهی تحول در فضای روستایی امروز را شکل می‌دهد. مصرف، سازماندهی فضا، مسکن، آموزش، بهداشت و سلامتی، گذران اوقات فراغت، موسسات و همچنین ارزش‌ها، در این تغییرات موثر بوده‌اند. نتیجه مثبت تغییرات در مجموعه سرزمین‌های روستایی، عامل استقرار جمعیت در صدها محل روستایی، با توجه به تمامی فاکتورهای لازم برای روستاها و بطور وسیع با تمام ترکیب‌های فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی کبکی و امریکای شمالی شده‌اند.

دهه ۷۱-۱۹۶۱، دوره ایجاد تغییرات شدید در روستاها بوده است. زیرا نه فقط درصد جمعیت روستایی به طرز معنی‌داری نزول کرده است، بلکه برای اولین بار کاهش قابل ملاحظه‌ای از نظر تعداد جمعیت روستایی دیده می‌شود و تعداد آن، ۱۸۶ هزار نفر کاهش می‌یابد که یک کاهش ۱۳/۷ درصدی را نشان می‌دهد. تعداد مکان‌های دارای ۲۵۰۰ نفر جمعیت و کمتر به ۶۹۵ مکان می‌رسد و ۴ قلمرو بخش یافت می‌شود که نمایش دهنده کسری جمعیت بین سال‌های ۶۱-۱۹۵۱ است (Statistique Canada, 1996).

کاهش جمعیت مکان‌ها از مقیاس ناحیه‌ای گذشته و در نواحی پیرامونی نیز متمرکز می‌شوند، در مکان‌هایی که توان کشاورزی بسیار ضعیف است، یعنی در آپالاش و لورنسنین بوکلیه^۱. در مدت این ده سال، تعداد مزارع از ۹۵۰۰۰ به ۶۱۰۰۰ کاهش یافته و مساحت اراضی کشاورزی به ۱۴۰۰۰۰۰ هکتار محدود شده و جمعیت روستایی کشاورز ۴۶ درصد کاهش یافته است.

موج عظیم نوگرایی که در کبک ظاهر شده است، منجر به ایجاد تغییرات ریشه‌ای در بسیاری از محلات روستایی گردیده است. به دنبال یک تحول بسیار مهم شغلی، کاهش معنی‌دار زاد و ولد، آمادگی برای انتخاب شغل در خارج از روستا و تمایل شدید برای زندگی شهری، عامل ایجاد عدم رشد دموگرافی در صدها روستا، و فراهم کننده تغییرات غیر قابل برگشت به ساخت اقتصادی-اجتماعی آن‌ها نسبت به وضعیت قبلی گردیده

است. این حالت در ۳۲۴ محل مشاهده می شود که حداقل ۱۵ درصد ساکنانش را بین سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۹۶ از دست داده اند. در این مقطع زمانی، متوسط جمعیت روستاها از ۹۸۳ نفر به ۶۸۱ نفر رسیده است (Statistique Canada Recensement de 1971 α 1996).

۲-۲- فعالیت ها و بهره‌وری های اقتصادی در کبک:

برنامه اشتغال جامعه روستایی کبکی، در جریان آخرین دهه قرن بیستم، بسیار تغییر کرده است. یک تغییرات عمیق اصلاحی در فعالیت های ترکیبی سرزمین از نظر شکل عمران، اقتصاد و روش های زندگی ایجاد شده است. کاهش شدید اشتغال های وابسته به بهره برداری از منابع طبیعی، با افزایش شاغل در بخش خدمات و در بعد کوچکتر در فرآوری محصولات همراه شده است. تمامی این تغییرات در تطابق با تغییرات تکنولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته است.

۲-۲-۱- فعالیت های بخش اول اقتصاد

فعالیت های این بخش، یعنی به ارزش رسانیدن منابع طبیعی، همیشه یکی از عوامل اصلی مشخص کردن روستا می باشند. با وجود این در نواحی روستایی کبک این فعالیت ها فقط ۱۳/۳ درصد از نیروی کار را جذب می کنند. ولی در مجموعه کبک، نوسانی از نظر دوره ای و نقش سنتی بهره برداری از منابع در چشم انداز زندگی فرهنگی دیده می شود. جدول شماره ۲-۱، ساخت شغلی روستاهای دارای ۲۵۰۰ نفر جمعیت و کمتر را در سال ۱۹۹۶ در ایالت کبک کانادا نشان می دهد (statistique Canada, 1996).

(جدول شماره ۲-۱)

انواع فعالیت های اقتصادی	تعداد شاغلان	جمعیت فعال به درصد
کل فعالیت ها	۵۰۵۶۷۸	
فعالیت های طبقه بندی شده	۴۶۳۸۲۵	۹۱/۸
کشاورزی	۴۵۷۸۰	۹
ماهیگیری و صیادی	۲۲۹۵	۰/۵
بهره برداری از جنگل	۱۳۴۳۰	۲/۷
معدن	۵۶۸۵	۱/۱
فعالیت های کارخانه ای	۹۵۲۰۰	۱۸/۶
ساختمان	۲۸۹۵۵	۵/۷
خدمات	۲۷۳۴۸۰	۵۴/۱

در کل قلمرو روستایی کبک ۶۷۱۸۰ نفر در بخش اول فعالیت ها (کشاورزی، ماهیگیری و صیادی، بهره برداری از جنگل و معدن) به فعالیت مشغولند. این رقم در مقایسه با کل شاغلان روستایی، رقم اندکی است. ولی با توجه به تعداد کم شاغلان در این بخش، کشاورزی کبک از موقعیت مناسبی برخوردار است.

۲-۱-۱- کشاورزی در ایالت کبک کانادا

چشم انداز کشاورزی کبک، ابتدا از طریق توپوگرافی این نواحی بیان می شود. دشت‌ها، دره‌ها و تپه‌ها با زیبایی و تنوع بسیار پیوند بین کشاورزی و جنگل و بیشتر موارد جریان‌های آب را ایجاد می‌نمایند. نواحی روستایی محل‌های دارای امتیاز برای به نمایش گذاشتن این گوناگونی‌ها هستند. تپه‌های مرتفع، محل مخصوص عبور به دشت سنت یا سینت^۱، جایی که کشت غلات برتری دارد، می‌باشند. در کوهستان‌های بوس، تولیدات خوکی به خوبی مستقر شده است. در حال عبور از طریق دشت سنت لورن، گاوهای شیری قلمرو خود را تشکیل داده‌اند. آن‌ها در مجموع یک مکان ترکیبی بسیار دلفریب را تشکیل داده‌اند که از نظم مشخصی پیروی می‌کنند (Phidd, 1994, 158).

اراضی کشاورزی

مساحت کل اراضی کشاورزی در کانادا در سال ۱۹۹۶ برابر ۶۸۰۵۴۹/۷ کیلومتر مربع بوده است که در مقایسه با ایران و سایر کشورهای جهان رقم بالایی را نشان می‌دهد. مسلماً وسعت زیاد این کشور در ارائه اراضی کشاورزی بسیار پر وسعت دخیل می‌باشد.

جدول شماره ۲-۲ وسعت اراضی کشاورزی و سایر اراضی این سرزمین را در مقایسه با ایالت کبک کانادا در سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد (www.statcan.ca).

جدول شماره ۲-۲

وسعت اراضی	در کانادا (km ²)	در کبک (km ²)
مساحت کل اراضی	۶۸۰۵۴۹/۷	۳۴۵۶۲/۱
مساحت اراضی زیر کشت	۳۴۹۱۸۷/۳	۱۷۳۸۸/۱
مساحت مراتع مصنوعی بذریاشی شده	۴۳۴۹۱/۴	۱۹۷۳/۴
مساحت اراضی آیش	۶۲۶۰۷/۳	۸۷/۸

با توجه به جدول شماره ۲-۲ وسعت اراضی کشاورزی ایالت کبک ۳/۴ میلیون هکتار می‌باشد که به طریق انواع مالکیت‌ها اداره می‌شود. کل بهره‌برداری‌های کشاورزی کبک در سال ۱۹۹۶ که آمارگیری کشاورزی در کانادا انجام شده است، ۳۵۹۹۱ مزرعه بوده است. از نظر مالکیت بهره‌برداری‌های کشاورزی در کبک:

مزارع شخصی با یک مالک	۲۰۰۳۳ مزرعه،
مزارع با قرار داد ثبت شده	۶۷۷۱ مزرعه،
مزارع بدون قرار داد ثبت شده	۱۹۳۸ مزرعه،
مزارع خانوادگی	۵۲۸۶ مزرعه،
مزارع غیر خانوادگی	۱۸۶۲ مزرعه،
سایر مزارع (مراتع، اشتراکی...)	۱۰۰ مزرعه می‌باشد.

از نظر اندازه بهره‌برداری‌های کشاورزی در ایالت کبک کانادا به دلیل وسعت سرزمین، و تعداد محدود افراد

شاغل در بخش کشاورزی (از کل جمعیت روستایی کبک که در سال ۱۹۹۶ برابر ۱۵۴۱۱۷۰ نفر بوده اند و تعداد شاغلان روستایی که ۵۰۵۶۷۸ نفر اعلام شده است، فقط ۴۵۷۸۰ نفر شاغل در بخش کشاورزی بوده اند، بنابراین نسبت فرد به زمین در این ایالت بسیار اندک است)، بهره‌برداری‌های کشاورزی از وسعت مناسبی برخوردار می‌باشند.

جدول شماره ۲-۳ تعداد بهره‌برداری‌های کشاورزی را در ابعاد مختلف در سال ۱۹۹۶ برای ایالت کبک کانادا نشان می‌دهد (statistique Canada, 1996, 50-52).

(جدول شماره ۲-۳)

تعداد بهره‌برداری‌ها	اندازه بهره‌برداری‌های کشاورزی (ایکر)
۲۰۳۴	کمتر از ۱۰
۵۶۸۴	۱۰-۶۹
۶۳۰۴	۷۰-۱۲۹
۴۳۹۹	۱۳۰-۱۷۹
۴۸۴۲	۱۸۰-۲۳۹
۶۹۷۷	۲۴۰-۳۹۹
۲۹۹۶	۴۰۰-۵۵۹
۱۴۶۸	۵۶۰-۷۵۹
۸۶۹	۷۶۰-۱۱۱۹
۲۷۱	۱۱۲۰-۱۵۹۹
۹۸	۱۶۰۰-۲۲۳۹
۲۱	۲۲۴۰-۲۸۷۹
۷	۲۸۸۰-۳۵۱۹
۲۱	۳۵۲۰ و بیشتر

دام و طیور

ایالت کبک دارای مراتع پر وسعت می‌باشد. کل مساحت اختصاص داده شده به علفزار و مراتع در سال ۱۹۹۶ برابر ۸۸۲ هزار هکتار و مساحت ذرت خوشه‌ای و علوفه‌ای ۳۷۲ هزار هکتار برآورده شده است، و این در حالی است که مساحت مراتع ۱ درصد و مساحت ذرت ۱۴ درصد نسبت به سال ۱۹۹۱ افزایش داشته است. قسمت مهمی از این افزایش به لحاظ بهره‌وری اقتصادی مطلوب بخش دام و طیور نسبت به سایر بخش‌های کشاورزی است. زیرا طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ قیمت انواع جوجه‌ها ۱۳ درصد و انواع مرغ ۴ درصد رشد کرده است که در مقایسه با افزایش قیمت‌ها در این کشور رقم مطلوبی برای تولیدکنندگان است.

تعداد گاو و گوساله در کبک طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ حداقل ۱ درصد کاهش یافته و به رقم ۱/۴ میلیون راس رسیده است. در حالی که گاو گوشتی ۲۴ درصد افزایش و گاو شیری ۸ درصد افت داشته است. کل تعداد خوک بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ برابر ۱۸ درصد ترقی کرده است و به رقم ۴/۴ میلیون راس افزایش یافته است. تعداد خوک در ایالت کبک ۳۱ درصد مجموع سطح ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

(جدول شماره ۲-۴)

نوع دام و طیور	تعداد مزرعه	تعداد دام
انواع مرغ	۵۳۸۴	۳۴۲۹۱۱۱۳ قطعه
تولید انواع مرغ، حدود ۲۶۶۲۴۵۸۰۸ کیلوگرم می باشد.		
گاو و گوساله	۱۹۶۵۸	۱۴۳۹۷۴۳
گاو شیری	۱۸۵۲۷	۷۰۳۷۴۶
خوک	۳۰۴۰	۴۴۴۳۸۳۲
گوسفند و بره	۲۲۸	۱۵۲۰۰۰
اسب	۴۵۱۸	۲۵۱۰۸

گوسفند و بره نیز طی این مدت ۲۵ درصد افزایش داشته است. جدول شماره ۲-۴ تعداد مزارع و تعداد دام و طیور کبک را در سال ۱۹۹۶ نشان می دهد (statistique Canada, 1999, 161-204).

تولید و فرآوری شیر در کبک کانادا به صورت یک فعالیت بسیار پر اهمیت می باشد. در سال ۱۹۹۷ فروش شیر در کانادا به بیش از ۳/۹ میلیارد دلار کانادا رسیده است. تولید شیر یکی از مهمترین فعالیت های کشاورزی است، زیرا در بین انواع محصولات کشاورزی، فروش شیر در ایالت های کبک، انتاریو، نوول-اکوس^۱، در رتبه اول بوده است (Statistique Canada, 1999).

سرمایه گذاری در کشاورزی کبک

سرمایه گذاری در کشاورزی کبک مهمترین عامل رشد کشاورزی و افزایش درآمد در این بخش است. در سایه امکانات و تجهیزات کشاورزی که عمدتاً متکی به میزان سرمایه گذاری است، از سایر عوامل تولید، حتی نیروی انسانی یدی و تخصصی نیز به نحو مطلوب سود برده می شود. اگر کشاورزی را به عنوان یک بخش اقتصادی بپذیریم، بنا براین، نیاز به سرمایه گذاری لازم در زمینه های مختلف فرآیند تولید را دارد. کاری که در کبک کانادا انجام شده است. هر چند که سرمایه گذاری هر چه بیشتر در کشاورزی سبب کاهش نیروی انسانی شاغل در این بخش شده است. ولی این وضعیت نیز برای دستیابی به بازارهای جهانی ضروری است و راهی جز گرایش به این سمت وجود ندارد. مقدار سرمایه گذاری ها در انواع مزارع متفاوت می باشد، در مزارع دام و طیور مقدار سرمایه گذاری بیش از سرمایه گذاری در بخش زراعت و باغداری، بویژه در زمینه ابزار و تجهیزات و تاسیسات است. جدول شماره ۲-۵ طبقه بندی مزارع بنابر ارزش سرمایه گذاری در ایالت کبک در سال ۱۹۹۶ را نشان می دهد (Statistique Canada, 1996, 238).

(جدول شماره ۲-۵)

ردیف	تعداد مزارع	مقدار سرمایه‌گذاری (به دلار کانادا)
۱	۱۶۴۹	۵۰۰۰۰ و کمتر
۲	۳۰۱۲	۵۰۰۰۰ تا ۹۹۹۹۹
۳	۷۳۱۰	۱۰۰۰۰۰ تا ۱۹۹۹۹۹
۴	۹۰۱۰	۲۰۰۰۰ تا ۳۴۹۹۹۹
۵	۵۴۲۴	۳۵۰۰۰۰ تا ۴۹۹۹۹۹
۶	۷۰۶۸	۵۰۰۰۰۰ تا ۹۹۹۹۹۹
۷	۱۵۴۵	۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۴۹۹۹۹۹
۸	۹۷۳	بیش از ۱۵۰۰۰۰۰

میزان کار و اشتغال در بخش اول

برعکس ایران که کشاورزی فصلی بوده و ماه‌هایی از سال را کشاورزان در مزارع به کار مشغولند، در اغلب مزارع کبک کار بطور مستمر در طول سال رایج است. زیرا در صد بسیار زیادی از کشاورزان کبک، در ردیف کشاورزان پرکار می‌باشند و زمان طولانی در مزارعشان کار می‌کنند. سه چهارم این کشاورزان بطور متوسط حداقل ۴۰ ساعت در هفته در مزارعشان کار می‌کنند. سایر کشاورزان به دو گروه تقسیم می‌شود، تعدادی از آنها بین ۲۰ تا ۴۰ ساعت در هفته در مزارعشان کار می‌کنند و فقط یک‌دهم کشاورزان کمتر از ۲۰ ساعت در هفته در مزارعشان کار می‌کنند. در مورد بهره‌برداری‌هایی که در آمد ناخالص سالیانه کشاورزی حداقل ۱۰۰۰۰۰ دلار است، کشاورزانی که به پرورش چند نوع دام می‌پردازند (پرورش گاو شیری، گاو گوشتی و سایر حیوانات)، بسیاری از آنها به طور نسبی ساعات بسیار زیادی در هفته کار می‌کنند. در سال ۱۹۹۵ حدود ۸۰ درصد از این کشاورزان بیش از ۴۰ ساعت در هفته در مزارعشان کار می‌کردند. و ۷۵ درصد صیفی کاران و پرورش دهندگان گاو نیز بیش از ۴۰ ساعت در مزارعشان کار می‌کردند. کشاورزانی که کمترین ساعات کار را در بین کل کشاورزان دارا بوده‌اند، شامل یک ششم کشاورزان باغداری، پرورش دهندگان طیور و تولید کنندگان تخم مرغ بوده‌اند. یکی از موارد تفاوت بین کشاورزی و زندگی روستایی کبک با ایران، در این مورد می‌باشد. شاید در ایران هیچ گروهی از کشاورزان را نتوان یافت که ۴۰ ساعت در هفته در مزرعه خود کار کنند (Drolet, 2001, 121-122).

درآمد بهره‌برداری کشاورزی

به رغم سرمایه‌گذاری مناسب و کارایی نیروی انسانی، بهره‌برداری کشاورزی کبک در سال ۱۹۹۶ برابر ۴۹۷۲۵۱۷۹۲۰ دلار درآمد ناخالص کسب نموده‌اند. با توجه به تعداد بهره‌برداری‌های کشاورزی (۳۵۹۹۱ بهره‌برداری) درآمد ناخالص متوسط برای هر بهره‌برداری کشاورزی رقم ۱۳۵۳۲۶ دلار محاسبه می‌شود. جدول شماره ۲-۶ طبقه بندی بهره‌برداری‌های کشاورزی کبک را در سال ۱۹۹۶ بنابر درآمد ناخالص سالیانه نشان می‌دهد (Statistique Canada, 1996, 274).

(جدول شماره ۲-۶)

درآمد ناخالص سالیانه (به دلار کانادا)	تعداد بهره برداری‌ها	دریغ
۲۵۰۰ و کمتر	۲۰۸۵	۱
۲۵۰۰ تا ۴۹۹۹	۱۹۲۴	۲
۵۰۰۰ تا ۹۹۹۹	۲۸۹۲	۳
۱۰۰۰۰ تا ۲۴۹۹۹	۵۷۲۶	۴
۲۵۰۰۰ تا ۴۹۹۹۹	۴۳۰۷	۵
۵۰۰۰۰ تا ۹۹۹۹۹	۵۱۲۸	۶
۱۰۰۰۰۰ تا ۲۴۹۹۹۹	۹۵۳۴	۷
۲۵۰۰۰۰ تا ۴۹۹۹۹۹	۳۰۶۶	۸
بیش از ۵۰۰۰۰۰	۱۳۲۹	۹

در بین انواع مزارع از نظر تولیدات، تعداد ۳۳۹۰۶ مزرعه در آمد سالیانه آن‌ها بیش از ۲۵۰۰ دلار بوده است، که تولیدات لبنی ۱۰۷۳۰ مزرعه، گاو گوشتی ۵۹۶۸ مزرعه، خوک ۲۳۱۵ مزرعه، مرغ و تخم مرغ ۸۳۲ مزرعه را با بیشترین تعداد مزارع به خود اختصاص داده‌اند. مزارع کشت گندم در این منطقه نیز از درآمد چندانی برخوردار نبوده‌اند، زیرا در این بررسی فقط ۸۵ مزرعه گندم در آمد بیش از ۲۵۰۰ دلار سالیانه داشته‌اند (Statistique Canada, 1996, 277-280).

سه‌م زنان در کشاورزی کبک

تحقیقات انجام شده، نشان‌دهنده اهمیت نقش زنان در کشاورزی است. زنان در کشاورزی، تامین‌کننده سرمایه، زمان برای فعالیت، کار و صلاحیت فنی می‌باشند. بعلاوه از نظر تامین سرمایه، همسرانشان را پشتیبانی می‌کنند.

در تحقیقات انجام شده در مورد سه‌م زنان در کشاورزی کبک، ۵۱ درصد زنان در حرفه‌های مختلف بیش از ۳۰ ساعت در هفته در مزرعه کار می‌کردند. در بعضی از حرفه‌ها، زنان مثل کارگران تمام وقت سنجیده شده‌اند. این مقدار از کار زنان، نمی‌تواند به‌عنوان مبادله خدمات‌دهی بین همسرانشان تلقی شود، زیرا مطالعه نشان می‌دهد که مشارکت مردان در کار خانگی بسیار کم بوده است.

زنان در کارهای نظافت، لبنیاتی، مواظبت از حیوانات و طیور، توجه به محیط زیست ملک، کارهای مزرعه، بایگانی و جستجوی اطلاعات مشارکت داشته‌اند. در مقابل این کار و سرمایه‌گذاری زنان مقدار کمی از انعام و مزد مالی دریافت می‌دارند، تعداد بسیار کمی از آن‌ها دارای عنوان مالک بوده‌اند.

همچنین، یک حقیقت روشن از تحقیق به دست آمده است: زنانی که در کشاورزی فعالیت می‌کنند، کشاورزی را دوست دارند. دلیل آن‌ها از خشنودی و رضایت در کار کشاورزی، شامل دو مورد زیر است:

- کیفیت زندگی کشاورزی، که امکان انجام یک کار خشنود کننده را فراهم می‌سازد، امکان کار کردن خارج از منزل و در ارتباط با طبیعت و حیوانات، امکان ابراز ابتکارات و نداشتن رئیس، انجام بعضی از کارهای مفید و به ارزش رسانیدن...

- امکان آشتی دادن و نزدیکی نقش‌های مادر، همسر و کشاورز (Black, 1996, 24).

روش اطلاع رسانی در کشاورزی کبک

بسیاری از کشاورزان کبکی، برای انجام امور مربوط به مزرعه، به ویژه استفاده از امکانات اینترنت برای کسب اطلاعات جدید، از کامپیوتر استفاده می کنند. از سال ۱۹۸۶ هر روزه بر تعداد مزارعی که از کامپیوتر سود می برند در حال افزایش است.

برای بسیاری از خانواده های کشاورز، اینترنت وسیله ای برای خروج از مزرعه و مشاهده جهان خارج از مزرعه است. اگر مزارع آن ها دور افتاده و پراکنده باشد، اینترنت به آن ها برای رهایی از انزوای جغرافیایی کمک می کند.

هر خانواده کشاورز می تواند به وب سایت های محصولات مربوط به کشت خود رجوع کند، در سایت های آب و هوایی از وضعیت اقلیمی ۵ روز آینده آگاهی کسب کند. در Chicago board of trade commodity <www> EX: site change <cbot.com> اطلاعات به روز در مورد نرخ همه محصولات را مانند بورس کالا، پیدا کند.

در سایت های مختلف مکالمه ای، پاسخ سوالات خود را ارسال نماید و سپس پاسخ را دریافت کند و در این مورد هیچ نیازی به اشتراک ندارد.

این امکانات سبب می شود که هر ساله بر تعداد مزارعی که از کامپیوتر و اینترنت استفاده می کنند افزوده شود، بطوری که در سال ۱۹۹۶ برابر ۲/۲۱ درصد از مزارع دارای امکانات کامپیوتر و سیستم اینترنت بوده اند. مهمترین سایت های مورد استفاده برای کشاورزان:

www.age.ca

www.agcanad.com

<Canada.eharvest.com>

Boureu des marshandises de Winnipeg:

www.canola-council.org

تفاوتی از نظر استفاده از سیستم اینترنت در مزارع وجود دارد، بطوری که در مزارع تولید قارچ ۴۴/۷ درصد، در مزارع کشت های گلخانه ای ۷/۳۶ درصد از کامپیوتر استفاده می کردند. نوسان استفاده از این امکانات در مزارع در رابطه با میزان درآمد مزارع می باشد. بطوری که مزارع با درآمد بیشتر، گرایش بیشتری در استفاده از کامپیوتر دارند. (Statistique Canada, 1996, 239-241)

۲-۲-۲- فعالیت های بخش دوم اقتصاد

فعالیت های بخش دوم، یک بخش اقتصادی بسیار مناسب برای فضاهای روستایی کبک است. این فعالیت ها در حال حاضر روی بخش صنعت و ساختمان تکیه دارد. در نواحی روستایی ایالت کبک در سال ۱۹۹۶ نزدیک به ۱۲۵۰۰۰ نفر که ۲۴/۳ درصد از نیروی کار فعال نواحی روستایی را تشکیل می دهند، در بخش دوم فعالیت ها، شاغل بوده اند. این درصد با کل شاغلان در بخش دوم ایالت کبک نیز (شهری و روستایی) مطابقت دارد.

طبیعت و ماهیت مشاغل در این بخش بسیار متنوع و گوناگون است. عاملی که سبب اختلاف شدید، در درآمد شاغلان می شود، در تعدادی از روستاها، این فعالیت ها با بهره برداری از منابع محلات و ناحیه ترکیب شده اند. در حالیکه در تعداد دیگری از روستاها وابستگی بین این بخش با فعالیت های گروه اول و منابع محلی وجود ندارد. مشاغل فصلی، اغلب ناپایدار و دارای مزد کم می باشند، نظیر فعالیت در بخش چوب و فرآوری

ماهی. بر عکس مشاغل بسیار تخصصی، دارای کار سالانه و با مزد خوب می‌باشند. که تعداد بسیار زیادی از این مشاغل به شهرها تعلق دارند. در حالیکه کارگران در روستاها سکونت دارند، برای کار در شهر، صبح و شب بین شهر و روستا جابجا می‌شوند. این حالت در روستاهای مراکز خدماتی شدت دارد. عمده این وضعیت به دلیل وجود موسسات بزرگی است که در بخش کاغذ و معدن، حمل و نقل و تغذیه فعالیت دارند.

موسسات صنعتی بسیار مهم، در شهرهای کوچک، متوسط و مراکز خدماتی که دارای ساختار روستایی هستند، مکان‌یابی شده‌اند. کوچکترین این موسسات صنعتی که حداقل حقوق پایه را به کارگران پرداخت می‌کنند، اغلب در محلات بسیار کم جمعیت در پایین دست سرزمین و حاشیه نواحی قابل سکونت مکان‌یابی شده‌اند: نظیر کارخانه‌های چوب بری کوچک دارای فعالیت‌های فصلی، که با توجه به کارایی اشتغال‌زایی آن‌ها، در استقرار جمعیت عمل می‌کنند.

در مقابل حجم مشاغل ایجاد شده، اختلاف شدید در محیط‌های روستایی قلمرو شهرداری‌های روستایی دیده می‌شود. قلمرو شهرداری‌های روستایی بسیار صنعتی، اغلب فضاهای مجاور بین کبک و مونترال در جنوب رودخانه، در دشت سنت لورن و اراضی پست آپالاشی دره بوس را اشغال می‌کنند. قلمرو روستاهای دما سکوتن^۱ و وال-سنت-فرانسوا^۲ که بیشترین شاغلان در گروه دوم را، هر کدام از این قلمرو شهرداری‌ها با بیش از ۴۰۰۰۰ نفر شاغل دارا می‌باشند.

تمامی این منطقه صنعتی، در یک اندازه وسیع، در بهترین بخش کشاورزی واقع گردیده‌اند. زیرا عواملی چون ماشین آلات تولید و فرآوری محصولات و تقویت اقتصادی، سبب تنوع صنعتی در این نواحی می‌شوند، تمرکز تعداد زیادی از موسسات، همچنین سبب ایجاد فضایی همچون فضای شهری در این نواحی شده‌اند.

در امتداد گسپزی تا ابی تی بی، فعالیت‌های نوع دوم، حجم بسیار ضعیفی از شاغلان را بخود اختصاص می‌دهد. سایر قلمرو شهرداری‌های روستایی شرق کبک و شمال غربی کبک، مانند: شارلوا^۳، کوت-د-بوپره^۴، جاک کارتیه^۵، و هات-سنت-موریس^۶، فضاهای بسیار متنوع با ضعف کالبدی شهری، پراکندگی بسیار شدید جمعیت و اقتصاد با محوریت در به ارزش رسانیدن منابع جنگلی و معدنی (فعالیت در بخش اول)، و همچنین محیط عرضه کننده چشم اندازه‌های مناسب برای اقامت در بیلاق را در ابعاد کوچک ارائه می‌دهند.

چشم انداز در مقیاس محلات، توزیع فضایی مشاغل فرآوری و ساختمان، یک عدم تساوی قابل ملاحظه را نشان می‌دهد. بطوری که ۱۷ قلمرو روستایی، هر یک بیش از ۴۰۰ نفر شاغل در گروه دوم فعالیت‌ها را دارا می‌باشند، در حالیکه ۴۰ ناحیه روستایی هیچ شاغل در گروه دوم را دارا نمی‌باشند (Centre Education Et Culture, 1996, 78-79).

۲-۲-۳- فعالیت‌های بخش سوم اقتصاد

در حال حاضر فعالیت‌های بخش سوم، عامل اصلی ایجاد اشتغال در فضاهای روستایی ایالت کبک کانادا است. زیرا در سال ۱۹۹۶ تعداد ۲۷۳ هزار شغل در نواحی روستایی کبک ایجاد کرده است. یعنی بیش از ۴ برابر فعالیت‌های بخش اول. نسبت زیادی از این مشاغل در شهرها و مراکز خدمات رسانی که به فضای روستایی حالت قطبی می‌دهند و به وسیله مهاجران روزانه اشغال شده‌اند، وجود دارد.

بر عکس دو بخش دیگر فعالیت‌ها، شاغلان بخش خدمات در تمامی محلات روستایی وجود دارند. بخش فضایی این مشاغل تقلیدی از چارچوب شهری است. این فعالیت‌ها در نواحی شدیداً شهری شده و

1- Des Maskoutains
4- cote-de-Beaupre

2- val-asint-francois
5- Jaques-cartier

3- charlevoix
6- haut-saint-maurice

در مکان‌هایی که بافت جمعیتی بسیار متراکم است، بسیار زیاد می‌باشند. تعداد و کیفیت آن‌ها وابسته به قدرت زندگی اقتصادی مکان شکل گرفته است.

در حقیقت، موقعیت فعالیت‌های خدماتی در نواحی روستایی بسیار متنوع شده است و روستاها و شهرک‌ها با توجه به موقعیت خاص خود، عمدتاً خدمات ویژه‌ای را ارائه می‌دهند. بنابراین، می‌توان محلات را از این جهت به چهار طبقه تقسیم کرد:

- طبقه اول، شامل روستاهای اطراف شهر می‌شود که مکان‌های اقامتی و خوابگاهی برای کارگران بخش سوم شاغل در شهر مجاور را تشکیل می‌دهند. ساختار روستا خدماتی است. محل اقامت می‌تواند به سادگی در این محلات پیدا شود، موردی که در شهر محل کار به سادگی عملی نمی‌باشد.
- طبقه دوم، شامل قلمرو روستایی می‌شود که نسبتاً از شهرها دور می‌باشند، اما نقش پخش کننده خدمات برای قلمرو زیستی می‌باشند. نظیر خدمات تجاری و حرفه‌ای، همچنین فعالیت‌های آموزشی، تفریحی و در حالات معینی اداری و درمانی - بهداشتی. این محلات جمعیتی حدود ۱۵۰۰ و ۲۵۰۰ نفر را دارا می‌باشند. یک تنوع شغلی و تخصصی در این محلات وجود دارد. ۹۱ روستای این گروه، به نواحی بسیار پراکنده از نظر بافت جمعیتی تقسیم می‌شوند. روستاهای سنت-گی در باس سنت لورن، لاک-فرونیه^۱ در مونت ماگنی^۲، رامگنی^۳ و لافورس^۴ در تمیسکامینگو در ردیف این روستاها کوچک هستند.

۲-۲-۴- درآمد نواحی روستایی کبک

به طور کلی در محیط روستایی، بنا بر ساخت جمعیتی و ماهیت فعالیت‌ها. درآمد کمتر از فضای شهری می‌باشد. این درآمد به ویژه وابسته به سازمان جمعیتی، مکانیابی روستاها نسبت به شهرها و نواحی و آمار جمعیتی مکان‌ها است.

متوسط درآمد خانوادگی نواحی روستایی دارای ۲۵۰۰ نفر جمعیت و کمتر در سال ۱۹۹۶ به مقدار ۸۱ درصد متوسط درآمد کل ایالت کبک بوده است. این اختلاف در سرشماری‌های سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۹۱ نیز مشاهده شده است. این مقدار درآمد از یک محل به محل دیگر، به شدت تغییر می‌کند. بطوری که متوسط درآمد خانوار روستایی در سنت - ژان - دارک^۵ و در ماتاپدیا^۶ برابر ۱۹۰۳۸ دلار در سال و در سن ویل^۷ در جزیره مونترال برابر ۱۲۱۰۱۲ دلار بوده است، که اختلاف فضایی به میزان ۶/۳ برابر را نشان می‌دهد. در ۹۰ درصد از روستاهای کبک متوسط درآمد سالانه کمتر از کل ایالت کبک است. محلات روستایی فقیر و ثروتمند در تمامی نواحی یافت می‌شوند اما بطور کلی روستاهای با درآمد بالا عمدتاً در دست مونترال و روستاهای با درآمد کم در نواحی کوهستانی و در فضاهای جنگلی و مکان‌هایی که دارای کشاورزی جنگلی می‌باشند و بخشهایی که جمعیت به شدت پراکنده است، مشاهده می‌شود.

زندگی روستایی و اقتصاد روستایی در پیوستگی تنگاتنگ با محیط زیست ناحیه‌ای است. این حالت شامل نواحی روستایی کوچک و بطور نسبی پراکنده از یکدیگر نیز مربوط می‌شود.

مقدار درآمد از ۳۲۴۹۰ دلار در قلمرو روستایی نواحی باسک در باس سنت لورن به ۵۲۸۵۵ دلار برای جزیره اورلئان^۸ در نزدیکی کبک اختلاف دارد. این اختلافات تا حدودی به اختلافات اجتماعی-اقتصادی قابل مشاهده در درون روستاها وابسته‌اند. این دو ناحیه روستایی هر دو در نواحی کم جمعیت کبک و هر دو در یک محیط زیست طبیعی که منابع طبیعی و کشاورزی هنوز مهمترین منابع درآمدی جمعیت است، واقع شده‌اند (با

1- lac-Frontiere
4- Laforce
7- senville

2- Montmagny
5- sainte-Jeanne-d'Arc
8-orleans

3- Remigny
6- Matapedia.

توجه به محیط زیست یکسان و آمار جمعیتی برابر، اختلاف درآمد در آن‌ها مشاهده می‌شود که مربوط به تار و پود اجتماعی-اقتصادی جمعیت روستایی است. این حالت نشان دهنده توسعه انسانی و سرمایه گذاری بهره‌وری‌های اقتصادی است که حتی در ایالت کبک کانادا نیز مشاهده می‌شود.

نواحی روستایی باسک، که شامل محلات کوچک کشاورزی جنگلی می‌شوند، از سال ۱۹۶۱ برابر ۳۷ درصد از جمعیت خود را از دست داده‌اند. در حالیکه جزیره اورلئان، جمعیتش در مقایسه با رقم قبلی افزایش یافته است. جدول شماره ۲-۷ درآمد متوسط روستاهای کبک را بنابر تغییرات جمعیتی و در حالت مقایسه درآمد کبک با کانادا نشان می‌دهد (Statistique Canada, 1996).

(جدول شماره ۲-۷)

درآمد متوسط خانوادگی به دلار کانادا	تعداد جمعیت روستا
۳۷۱۵۶	۲۵۰ تا ۵۰۰ نفر
۳۹۴۵۴	۵۰۱ تا ۱۰۰۰
۴۱۳۳۳	۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰
۴۲۴۷۹	۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰
۴۴۵۱۵	۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰
۴۹۲۹۱	ایالت کبک
۵۴۵۸۳	کل کانادا

توزیع سرزمینی درآمدها در اختلافات شدید فضاهای روستایی موثر است. همچنین اختلاف در سطح درآمدها می‌تواند از نظر ترکیب ساختاری اشتغال‌ها و همچنین حجم نیروی کار موجود در روستا باشد. زیرا مشاغل به ویژه تخصصی، با مزد خوب و مشاغل دائمی همراه است. همچنین یک رشد متوسط درآمد محلی، بنابر تغییرات مشاغل و اختلافات افزایش تعداد مشاغل در هر یک از سه بخش بزرگ فعالیت‌ها وجود دارد. عمده تغییرات در روستاها در حال حاضر در بخش خدمات مشاهده می‌شود.

در بخش اول فعالیت‌ها، درآمد روستاها بنابر ماهیت بهره‌برداری از منابع تغییر می‌کند. درآمد کم در فعالیت‌های روستاهای جنگلی و درآمد مناسب در روستاهایی که بهره‌برداری‌های معدنی قوی است، وجود دارد. روستاهای کشاورزی و ماهیگیری، موقعیت متوسط و بینابین را دارا می‌باشند. بطور مثال روستاهای دارای ۲۵-۴۹ شغل در فعالیت‌های معدنی، یک درآمد متوسط ۴۵۲۶۵ دلار سالیانه را دارا می‌باشند، در حالی که روستاهایی که شاغلان آن‌ها شدیداً به فعالیت‌های جنگلی وابسته‌اند، بیش از ۳۶۸۷۸ دلار درآمد کسب نمی‌کنند.

در بخش دوم فعالیت‌ها، یک تحول معنی‌دار درآمدها بنابر اختلاف تعداد شاغلان دیده می‌شود. درآمد متوسط روستاها از ۳۷۹۵۳ دلار در روستاهای دارای ۱۰ تا ۵۰ کارگر به ۴۴۸۶۵ دلار در روستاهای دارای ۳۰۱ تا ۵۰۰ شاغل می‌رسد. ساخت اقتصادی روستاها و ماهیت موسسات موجود در آن‌ها در ایجاد این اختلافات نقش دارند. کمترین درآمد مربوط می‌شود به فعالیت در بخش فرآوری منابع محلی دارای مشاغل فصلی.

میزان درآمد در بخش خدمات از متوسط ۳۴۳۰۷ دلار در روستاهای دارای ۱۰ تا ۵۰ شغل به ۴۶۳۶۰ دلار در روستاهای دارای بیش از ۵۰۰ شغل می‌رسد. تقریباً فعالیت‌های بخش سوم (خدمات) از برتری و مزد مناسب‌تری برخوردار است.

۲-۲-۵- نتیجه نهایی، تحلیل وضعیت اقتصادی و فضای روستایی کبک

بررسی وضعیت اقتصادی و درآمد نواحی روستایی کبک، نشان می‌دهد که متوسط درآمد سالیانه نواحی روستایی کبک، حدود ۷۰ درصد متوسط درآمد سالیانه ایالت کبک است. اگر کمک‌های دولتی به نواحی روستایی را نیز در نظر داشته باشیم، این درصد باز هم کاهش می‌یابد که خود نشان‌دهنده ضعف اقتصادی در نواحی روستایی است. این حالت متأثر از ایجاد اشتغال کم نواحی روستایی، تعداد زیاد کارهای فصلی و با مزد کم و ناپایداری بسیاری از مشاغل است. در نواحی روستایی که درآمد سالیانه از متوسط ۷۰ درصد ایالت کبک نیز پایین‌تر می‌رود، مشکلات واقعی اقتصادی به شدت خود را آشکار می‌سازد. این کاهش درآمد پایین‌تر از ۷۰ درصد، به شدت اختلاف بین نواحی را تشدید می‌نماید. زیرا تعدادی از روستاها متوسط درآمد سالیانه آن‌ها از متوسط کبک نیز بیشتر است. تمامی مسکن و امکانات خدماتی روستاها متأثر از درآمد می‌باشد. درآمدهای اقتصادی عامل تغییر مکان و جابجایی جمعیت نیز می‌شود.

ایجاد ارتباط بهتر بین شهر و روستا، که امروزه از طریق گردشگری در حال توسعه در نواحی روستایی، مشاهده می‌شود، می‌تواند در پیوند بیشتر بین شهریان و روستاییان و کاهش اختلافات بین فضایی از نظر اجتماعی - فرهنگی موثر باشد. عملکرد جمعیت روستایی نیز در این پیوند و ارتباط موثر است. زیرا در اغلب موارد، جمعیت روستایی با اشتیاق فراوانی بازدید کنندگان شهری را می‌پذیرند. آن‌ها امکاناتی را که در اختیار دارند به بازدید کنندگان عرضه می‌کنند، محیط اکولوژیکی، فرهنگی و اقتصاد روستا، شهریان را به کنجکاوی می‌کشاند. آن‌ها با یکدیگر بحث و مذاکره می‌کنند. در این برخوردها، تبادل فرهنگی و تجربه‌ای شکل می‌گیرد (Chambers, 1990, 29).

بسیاری از روستاهای جاذب توریست در ایالت کبک کانادا، به این حالت شکل گرفته‌اند. بطوری که روستاهای محدوده سنت ژرم، سنت سوور، سنت آگات، و ... از طریق ارائه خدمات به توریست کسب درآمد می‌کنند و روستاها با جمعیت اندک خود چهره‌ای شهر گونه به خود گرفته‌اند. مدیریت محلی با تراشیدن درختان دامنه‌ها، پیست‌های اسکی و سایر امکانات ورزشی را برای جمعیت شهری فراهم نموده‌اند. در سرمای بسیار شدید زمستان، پیست‌های اسکی تعداد کثیری از جمعیت شهری را به روستاها می‌کشاند و بدینوسیله درآمد بسیار زیادی از طریق رستوران و هتلداری، آموزش اسکی، شنا، اسکی روی آب و غیره برای جمعیت روستایی ایجاد شده است.

از گذشته‌ای نه چندان دور، یک تحول عمیق در فضای روستایی و اقتصاد کشاورزی، در جامعه روستایی کبک دیده می‌شود، هر چند طرز تلقی و بی‌تفاوتی فضای شهری نسبت به مشکلات روستایی قابل مشاهده است. با وجود این، یک پیوند بین جامعه شهری و جامعه روستایی، از طریق رفت و آمد شهریان به روستاها، برخورد با جمعیت شاغل روی زمین، و یا بر عکس، فضاها و وسیع روستایی به عنوان مصرف کنندگان اجناس و کالا یا ... عامل تحمل روش‌های شهری در روستاها می‌شود.

سرزمین‌های روستایی با تغییراتی عمیق آشنا می‌شوند، تغییراتی که در پیوند با کل جامعه است. جهانی شدن بازار، افزایش تقاضاهای جدید، سازمان‌های جدیدکار، فرا فوردیست، تحول اطلاعات و تکنیک‌های جدید،

که عمدتاً خارج از سرزمین روستایی می‌باشند، در ایجاد این تغییرات موثرند. مقایسه تغییرات در مقاطع ۶۰-۱۹۵۰ و ۲۰۰۰-۱۹۹۰ بطور خلاصه می‌تواند در زمینه‌های زیر باشد،

- یک تحول جمعیتی در گرایش از جمعیت جوان به یک جمعیت پیر و سالخورده؛
- یک تحول اقتصادی با گذار از حرفه کشاورزی به عنوان حرفه اصلی، به مشاغل صنعتی، خدماتی، گردشگری که کشاورزی ترکیبی از مشاغل روستایی است؛
- یک قطع رابطه بین محل کار و محل زندگی؛
- یک قطع رابطه و وابستگی فرهنگی به زمین تولید کننده مناسبات اجتماعی در روستا، و تبدیل آن به محل اقامت، گذران اوقات فراغت و ایجاد ارزش افزوده، که این تغییر منجر به بحران هویت سرزمین‌های روستایی می‌شود، این تغییرات تحت تاثیر دو نفوذ اجرا می‌شوند:
- حاشیه‌ای شدن اقتصاد سرزمین‌های روستایی بوسیله سیستم صنعتی که بر اثر پشتیبانی فعالیت‌های بسیار سریع رضایت بخش عملی شده است؛
- اعمال تطابق، ارائه ابتکارها برای زندگی کردن و توسعه محلی؛

این تغییرات بیان کننده ترکیب جدید و رشد فضاهای روستایی است، حالتی که بنا بر شکل خاص روستاها، موقعیت جغرافیایی، تاریخ محلی، طریقه رفتار عوامل محلی، خصوصیات زیست محیطی، اقتصادی ... هر سرزمین شکل می‌گیرد.

برای توسعه روستایی، نباید به مدل واحدی بسنده کرد، بلکه به تجربیات کسب شده از اعمال انجام شده باید توجه داشت (Enita.2001.97-98).

منابع و مأخذ

- 1-Black, Naomi et, 1996, Femmes et vie rurale au Qubcc et Aquitaine, Editions de La maison des scievces de L'homme d Aquitaine
- 2- Bollan. Ray. D, 2001, towards sustainable rural communities, university Of Geulf Press.
- 3- Bruno. Jean. 2000, gouvernance et territiries rurax Prasess de L'Universite du Quedc
- 4- Bryant. Christopher .and ... 2001 .canada's rural population.
- 5-Center Education et culture, 1996, Atlas .L' Actuel, Le Qubec et ses Regions,Canada.
- 6- chambers. Robert ,developpement rural .la pouverte cache .editions Karthala et CTA, 1990
- 7-Drolet, M, 2001, Nouveller evidence empirique concernant Lecart salarial entre Les homes et les femmes au Canada .statistique Canada.
- 8- Dupuy. Richard. Et... 2000 .les Jeunes ruraux .statistiqu Canada.
- 9- Garneret. Jean .1993 .vie et mort du payasn .Harmatlan.
- 10-Phidd.R.W.1994 .vers des communautes rurales durables .serie de seminairs de Gulf . Universite.
- 11- Statistique Canada,1996
- 12- Statistique Canada .Recensement de 1996.
- 13- statistique Canada .1999.
- 14- Statistique Canada .Recesement de 1971 a 1996.
- 15- www.agcanada.com
- 16- www.age.ca
- 17- www.canola-council.org
- 18- www.statcan.ca/Francis/free pub/21-006-x IF/ ,
- 19- www.Institut/de la statistique du Quebec.
- 20- www. wce.mb.ca